



Pathology of How to Separate and Classify Prisoners in Iran's Legal System

Sadeq Moradi *

Ph.D. Candidate and Lecturer, Department of
Law, Faculty of Law and Political Science,
Shiraz University, Shiraz, Iran.

Aida Taghizadeh

Law Researcher, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Abstract

The supervision of criminals and the way of classifying prisoners are among the challenging categories in the criminal policy of the Iranian penal system, which by entering the legal literature and also being affected by the modern perspectives of criminology, a new approach is proposed. This question is raised as to how Iran's criminal policy has been in the implementation of prison sentences and the classification of prisoners and how it is evaluated according to the regulations of the judiciary. In this regard, in line with the policy of prisons and the classification of prisoners, the judiciary has developed different guidelines and regulations, and the legislator has taken steps in this way by approving the regulations on the segregation and classification of prisoners. He has been involved in the supervision of criminals. These supervisions are applied with the aim of protecting the society against the crimes of dangerous criminals and can become the basis for legal challenges. Criminologists believe that if the classification of prisoners is based on the theory of rehabilitation, it can provide prison security by reducing violence, and through the access of prisoners to rehabilitation programs, it can achieve the refinement of criminals and solve the challenge of the inflation of the criminal population. The issue of separating and classifying prisoners from a conceptual point of view, due to the lack of clear boundaries with similar concepts; In terms of definition, due to the lack of legal standards and examples, the crime faces many shortcomings from a legal and executive point of view. In this research, while explaining the legal and legal challenges, the pathology of segregation and classification of prisoners is considered.

Keywords: prisoners, classification of prisoners, rehabilitation of prisoners, regulations of the organization of prisons, security measures

Received: 01/January/2024

Accepted: 19/February/2024

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

آسیب‌شناسی نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان در نظام حقوق کیفری ایران

پژوهشگر دکتری حقوق و مدرس، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه حقوق،
دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

صادق مرادی *

پژوهشگر حقوق دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

آیدا تقی‌زاده

چکیده

نظارت بر بزهکاران و نحوه طبقه‌بندی زندانیان از جمله مقوله‌های چالشی در سیاست جنایی نظام کیفری ایران بوده که با ورود به مکتوبات حقوقی و همچنین تأثیرپذیری از دیدگاه‌های نوین جرم‌شناسی، رویکردی جدید نسبت به آن مطرح می‌شود. این پرسش مطرح می‌شود که سیاست جنایی ایران در اجرای مجازات زندان و طبقه‌بندی زندانیان چگونه بوده و با توجه به آیین‌نامه‌های قوه قضاییه به چه صورت ارزیابی می‌گردد. در این رابطه قوه قضاییه در راستای سیاست زندان‌ها و طبقه‌بندی زندانیان، اقدام به تدوین دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های متفاوتی نموده که قانون‌گذار به تبعیت از آن با تصویب آیین‌نامه نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان در این راه گام‌هایی برداشته که با تحولاتی در زمینه نظارت بر بزهکاران همراه بوده است. این نظارت‌ها با هدف حراست جامعه در برابر جرائم بزهکاران خطرناک اعمال می‌شود و می‌تواند زمینه‌ساز بروز چالش‌های حقوقی شود. کیفرشناسان معتقدند طبقه‌بندی زندانیان در صورتی که براساس نظریه بازپروری صورت گیرد، می‌تواند با کاهش خشونت، امنیت زندان را تأمین و به واسطه دسترسی زندانیان به برنامه‌های بازپرورانه، تهذیب بزهکاران را محقق و چالش تورم جمعیت کیفری را برطرف کند. موضوع تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان از جهت مفهومی، به دلیل عدم مرزبندی مشخص با مفاهیم مشابه؛ از حیث تعریف به دلیل فقدان معیارها و مصادیق قانونی جرم از جهت قانونی و اجرایی با کاستی‌های زیادی مواجه است. در این پژوهش ضمن تبیین چالش‌های حقوقی و قانونی، آسیب‌شناسی تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان مطمع نظر است.

کلیدواژه‌ها: زندانیان، طبقه‌بندی زندانیان، بازپروری زندانیان، آیین‌نامه سازمان زندان‌ها، اقدامات تأمینی

مقدمه

سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، سازمانی است مستقل که به‌طور مستقیم زیر نظر رئیس قوه قضائیه انجام وظیفه می‌نماید و عمده وظایف سازمان مذکور عبارتند از: نگهداری متهمان تحت قرار و محکومان به حبس بنا بر دستور کتبی مقام‌های قضایی و به موجب قوانین و مقررات مربوط، اداره کلیه امور زندان‌ها، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال، بازداشتگاه‌ها و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، ایجاد امکانات و تسهیلات لازم و مناسب به منظور تصدی امور بازپروری نظیر اصلاح، ارشاد، آموزش و بازسازی محکومان، تهیه و پیشنهاد اسامی محکومان واجد شرایط آزادی مشروط و ارائه آن به قاضیان ناظر زندان و تهیه و پیشنهاد اسامی به مفاد آیین‌نامه استناد شود. محکومان واجد شرایط عفو و ارائه آن به هیأت عفو و برنامه‌ریزی برای مراقبت بعد از خروج محکومان به شرح آتی مطمح نظر بوده است. در این میان، جداسازی زندانیان به‌عنوان یکی از مصادیق اصل فردی سازی کیفر در گستره سیاست جنایی و از رهگذر یک آیین‌نامه مستقل تحت عنوان آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور اجرا می‌شود تا اسباب اجرای مناسب تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان، تهذیب، باز اجتماعی شدن و آموزه‌های کیفر شناسی بالینی در بستر زندان را فراهم نماید. با این وجود چالش موضوع آیین‌نامه مزبور به شرح آتی، نبود فضای فیزیکی کافی برای اجرای مفاد آن در رابطه با نگهداری زندانیان می‌باشد؛ به‌ویژه که تورم جمعیت کیفری، سبب در اولویت قرار گرفتن دو معیار سن و جنسیت (فارغ از مفاد آیین‌نامه) برای طبقه‌بندی و جداسازی زندانیان است. جداسازی زندانیان شیوه‌ای است که در پرتو آن زندانیان بر اساس درجه خطرناکی و حتی اوصاف اخلاقی دسته‌بندی می‌شوند تا از این رهگذر نسبت به هر یک از طبقه‌های مجرمان، برنامه‌های اصلاح و تهذیب متناسب تدوین و اجرا شود. در واقع، در بستر زندان، منتظران اجرای کیفرهای جسم مدار، بزهکاران ناتوان در پرداخت جزای نقدی، محکومان مالی و بزهکاران محکوم شده به مجازات زندان، به جهات مختلف برای مدت معین و یا نامعین اقامت دارند که در این میان بزهکاران محکوم به کیفر حبس مخاطب سامانه عدالت کیفری در زمینه برنامه‌های بازپرورانه هستند. بنابراین، روش مذکور به افتراقی سازی برنامه‌های بازپروری بزهکاران در عرصه زندان می‌انجامد. اجرای مناسب این شیوه به ابزارها و امکانات متعددی نیاز دارد که تشکیل پرونده شخصیت از برجسته‌ترین آن‌ها است. پرونده شخصیت یا پرونده پیرا قضایی شامل مجموعه‌ای از اطلاعات در عرصه وضعیت فردی و محیطی بزهکاران، شیوه ارتکاب جرم و حتی موقعیت بزه دیدگان است که شناخت سامانه عدالت کیفری از سطح خطرناکی بزهکاران را امکان‌پذیر می‌سازد. به هر روی، نظام عدالت کیفری به واسطه تشکیل پرونده شخصیت و به کارگیری روش‌های متنوع مانند مصاحبه، مشاهده، معاینه علمی برای به دست آوردن اطلاعات مناسب از بزهکاران (مثل: پیشینه کیفری مجرمان، میزان شدت رفتارهای مجرمانه، سابقه خانواده بزهکاران از حیث اجتماعی، فرهنگی، مالی و اقتصادی، علاقه‌مندی‌های مجرمان، وضعیت جسمانی، روانی-عاطفی و میزان تحصیلات شهروندان) به ارزیابی دقیق از جنبه‌های مختلف شخصیت زندانیان نزدیک می‌شود. به همین جهت، به موجب ماده ۶۳ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها اقدامات تأمینی و تربیتی ۱۴۰۰، تشکیل پرونده شخصیت برای زندانیان در شمار تکالیف کارگزاران زندان قرار گرفته است تا به این واسطه شورای طبقه‌بندی به‌صورت دقیق نسبت به جداسازی زندانیان و اتخاذ تدابیر بازپرورانه مناسب تصمیم‌گیری کند. در واقع جداسازی زندانیان برای اعمال مناسب تکلیف دستگاه قضایی مقرر در قانون اساسی و نیز بازپروری بزهکاران در قالب آیین‌نامه نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان ۱۴۰۰ شناسایی شده است. این روی‌آوری تصمیم‌گیران سیاست جنایی، دارای بنیان‌های نظری و حقوقی است که طبیعتاً شناخت آن‌ها در ارزیابی سیاست‌های اتخاذ شده در آیین‌نامه مذکور و چگونگی تحلیل و پیامدهای آن نقش‌آفرین است. ضمن اینکه استفاده از این سازوکار در بستر زندان باید بر پایه شماری از معیارها صورت پذیرد. از این‌رو بنیان‌ها (بند ۱)، پیامدها (بند ۲) و معیارهای حقوقی و کیفرشناسانه (بند ۳) طبقه‌بندی و جداسازی زندانیان در

پرتو آیین‌نامه مذکور بررسی می‌شوند تا از این رهگذر، رویکرد و چالش‌های سیاست جنایی ایران در زمینه چگونگی جداسازی زندانیان مورد شناسایی قرار گیرد. پژوهش حاضر بر آن است تا به بررسی فرایند طبقه‌بندی زندانیان در نظام عدالت کیفری ایران با جهت‌گیری تطبیقی بپردازد. با توجه به اینکه تحقیقات موجود، کمتر به موضوع چالش‌های حقوقی و قانونی نظارت بر مجرمان پرداخته‌اند یا با اتکا به منابع خارجی، صرفاً به دغدغه‌ها و موانع به کارگیری یکی از جلوه‌های نظارت اشاره کرده‌اند لذا مقاله حاضر با نقد و تبیین مقررات و قوانین موضوعه ایران و تکیه بر نتایج حاصل از مطالعه تطبیقی به دنبال بیان مهم‌ترین چالش‌ها و ارائه راهکار نسبت به رفع آن برآمده است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با رویکرد تحلیل محتوای کیفی، به مرور منابع مرتبط با آسیب‌شناسی نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان در نظام حقوق کیفری ایران پرداخته است. داده‌های پژوهش از طریق مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و توصیف و تحلیل آن‌ها گردآوری شده و در راستای ارائه راهکارهای اجرایی، بررسی و دسته‌بندی شده است. این پژوهش به لحاظ نحوه به کارگیری نتایج، در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد.

۱- ادبیات و تبیین مفاهیم

زندان مکانی است که در آن آزادی زندانیان توسط حفاظ‌ها سلب و مستحفظ عموماً مسلح، مراقبت می‌کردند تا وظیفه این نهاد محقق شود. این نوع صیانت، مستلزم یک‌سونگری و جمع‌آوری زندانیان تحت عنوان واحد شد اما توسعه اندیشه‌های تهذیب موجب شد تا هم معنای محرومیت زندانی از آزادی تغییر کند و هم زندانیان دیگر به عنوان اشخاص دارای شخصیت واحد تصور نشوند. بر همین اساس، تقسیمات درونی در نهاد زندان روی داده که بر کیفیت زندگی زندانیان تأثیر می‌گذارد؛ به‌طوری که آنان می‌توانند تجربه‌های متفاوتی از محرومیت از آزادی به دست آورند. نظام‌های عدالت کیفری از عناوین و معیارهای مختلفی برای تقسیم‌بندی زندان استفاده کرده‌اند. در ایران بر اساس آیین‌نامه نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان مصوب ۱۳۵۴، سه نوع زندان بسته، نیمه‌باز و باز (مؤسسات صنعتی و کشاورزی) وجود داشت که زندان بسته با حفاظت کامل توسط مستحفظ مسلح، توصیف می‌شد. زندان نیمه‌باز نیز زندانی بود که زندانیان تحت مراقبت مستحفظ، مشغول فعالیت شغلی در مکانی محصور بوده و سپس به آسایشگاه برمی‌گشتند. در مقایسه با موارد مزبور، قانون‌گذار، مؤسسات را به دو دسته مؤسسات داخل و خارج از زندان تقسیم کرد و در مورد دسته دوم، عنوان زندان باز را برگزید که مقصود از آن زندانی بود که ممکن است بدون حفاظت خارجی باشد و زندانیان آزادانه به فعالیت‌های شغلی خود پرداخته و سپس به خوابگاه مراجعت کنند. در آیین‌نامه اجرایی مصوب ۱۳۸۰ با اندکی تغییر، زندان‌ها براساس ماده ۵ به زندان‌های بسته، نیمه‌باز، باز و مجتمع‌های حرفه‌آموزی و کاردرمانی تقسیم گردید؛ ولی همان ویژگی‌های پیشین در تعاریف محفوظ ماند. تدوین‌کنندگان آیین‌نامه سال ۱۳۸۴، با تغییر وضع، زندان‌ها را به دو دسته زندان‌های بسته و مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال تقسیم کرده بودند؛ ولی قانون‌گذار این طبقه‌بندی را نیز در سال ۱۳۹۲ در راستای تبصره ۱ ماده ۵۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری تغییر داده و زندان‌ها را به زندان بسته، نیمه‌باز، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال تقسیم کرد. به دنبال این تغییر، آیین‌نامه مصوب ۱۴۰۰، ضمن پیروی از ماده ۵۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری، هر یک از زندان‌ها را در بند الف ماده ۱ تعریف نمود که با اندکی تسامح، مفاهیم مندرج در آیین‌نامه‌های پیشین را بازتاب می‌دهد. با توجه به وجود انواع مختلف زندان‌ها، طبقه‌بندی زندانیان، فرایند قرار دادن زندانیان در گروه‌های مشابه است که عموماً با تکیه بر هدف مدیریت زندان، انجام برنامه‌های بازپرورانه متناسب هر گروه و نیازهای امنیتی از جمله کاهش خشونت زندانیان و فرار آنان صورت می‌گیرد. گروه‌های مختلف

زندانیان، تحت تأثیر این تصمیمات، محرومیت‌های مختلفی را تجربه می‌کنند که انگیزه‌ها و احساس مسئولیت آنان را پرورش می‌دهد یا از میزان آن‌ها می‌کاهد. پژوهشگران، طبقه‌بندی و جداسازی زندانیان را در دو سطح تقسیم کرده‌اند: طبقه‌بندی سطح اول یا خارجی که ناظر بر توزیع و قرار دادن زندانیان در یکی از اقسام زندان‌ها براساس معیارهای هر نظام عدالت کیفری بوده است. تحقق سیاست‌های اصلاح زندانیان، منوط به تدوین سیستم انعطاف‌پذیر در نهادن زندانیان در یکی از اقسام زندان‌های جداگانه مناسب برای تهذیب زندانیان است. در پژوهش حاضر نیز منظور از طبقه‌بندی زندانیان، همین برداشت می‌باشد. به هر روی، پس از تعیین محل اقامت زندانی، مقامات بایستی محل اسکان وی در زندان مربوطه را با توجه به معیارهای مورد نظر، مشخص کنند که به آن طبقه‌بندی داخلی گفته می‌شود که به موجب آن، گروه‌های متعلق به یک طبقه باید اساس جنس، سن، سوابق کیفری و وضعیت قضایی در مکان‌های جداگانه نگهداری شوند.

در نظام عدالت کیفری ایران، مفهوم طبقه‌بندی در بند «ر» آیین‌نامه جدید سازمان زندان‌ها درج گردیده است که هر دو مفهوم طبقه‌بندی داخلی و خارجی زندانیان را در بر می‌گیرد و برنامه‌های اصلاحی متناسب با هر طبقه براساس ماده ۷۹ در مورد آن‌ها اجرا می‌شود.

۲- چالش‌های حقوقی تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان

مفاد ذیل ماده ۲۰۲ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و ماده ۱۴ دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها، حکایت از تجویز اعطای مرخصی پایان خدمت یا مرخصی منجر به آزادی (کمتر از ۴ ماه) دارد که در کاهش جمعیت کیفری نیز مؤثر است اما مراجع قضائی حسب مفاد موضوع ماده ۲۱۷ قانون آئین دادرسی کیفری با صدور یکی از قرارهای مندرج در ماده موصوف مترصد اعطای مرخصی منجر به آزادی هستند؛ بدیهی است اجرای قرارهای موضوع ماده اخیرالذکر برای زندانی دشوار می‌باشد. با این وجود برخی مراجع قضائی نیز با امعان نظر به اینکه تشخیص بر عهده قاضی است از اعطای مرخصی خودداری می‌نمایند. دوگانگی پیش‌آمده با اقتضائات دادرسی عادلانه هم‌راستا نیست. جداسازی زندانیان که مورد توجه سیاست‌گذاران جنایی قرار گرفته است؛ در اثربخش‌تر شدن تدابیر اصلاح و فرآیند ترمیم نظام شخصیتی بزهکاران نقش‌آفرین است و در پیشبرد اهداف عدالت کیفری در محیط زندان تأثیرگذار می‌باشد. برنامه‌های بازپرورانه زندان آنگاه به نتیجه می‌رسد که بزهکاران دارای حالت‌های خطرناک متفاوت به‌صورت جداگانه به گذران حبس مبادرت ورزند. این سازوکار در آموزه‌های حقوق بشری نیز ریشه دارد زیرا فراهم کردن بسترهای مناسب برای از بین بردن نیازها و مشکلات فردی و محیطی بزهکاران و رهنمون شدن به سوی هنجارمندی و همنوایی با مقررات و الزام‌های اجتماعی از حق‌های همه بزهکاران است که در پرتو هدف بازپروری، دسترسی به آن امکان‌پذیرتر است. به همین جهت برای رسیدن به این هدف و اینکه زندانیان بتوانند در شرایط مناسب و آزادانه در قلمرو زندان به گذران زندگی مبادرت ورزند، جداسازی زندانیان به موجب بند ۳ ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶، ماده ۸ قواعد سازمان ملل متحد در زمینه رفتار با زندانیان ۱۹۵۵ و ماده ۲۶ قواعد سازمان ملل متحد در زمینه عدالت کیفری کودکان و نوجوانان ۱۹۸۵ در شمار حق‌های این دسته از بزهکاران قرار گرفته است. به هر روی، بزهکاران محکوم به حبس، صرفاً باید مشمول تدابیر سلب‌کننده آزادی رفت و آمد واقع شوند؛ نه اینکه زمینه‌های دسترسی به دیگر حق‌ها مانند حق بر متفاوت زندگی کردن از بین رود. همه انسان‌ها از جمله زندانیان حق دارند با آن دسته از شهروندان که از وضعیت رفتاری نزدیک به آنان برخوردارند، در یک محیط زندگی کنند و برای رسیدن به این حق‌ها در بستر زندان، تفکیک مجرمان از مهم‌ترین سازوکارها به شمار می‌رود. در پهنه سیاست جنایی ایران، آیین‌نامه‌های متعددی در زمینه چگونگی اجرای مجازات

زندان تدوین و تصویب شده‌اند که آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ نمونه بارز این توجه به شمار می‌رود مطابق ماده ۳ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴، زندان محلی است که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقام‌های صلاحیت‌دار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به‌طور دائم به منظور تحمل کیفر، با هدف حرفه‌آموزی، بازپروری و بازسازی، نگهداری می‌شوند. اما توجه به بازپروری بزهکاران در قلمرو سیاست جنایی ایران به مقررات تقنینی و فرو تقنینی محدود نمی‌شود، بلکه در بالاترین سطح قانون‌گذاری یعنی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به رسمیت شناخته شده است. بر اساس بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضاییه به‌عنوان اصلی‌ترین متولی پاسخ‌دهی به بزهکاری، مکلف شده است تا در زمینه اصلاح و تهذیب مرتکبان جرم اقدام کند.

به این ترتیب دستگاه قضایی باید بازپروری مجرمان را برای کنترل پدیده مجرمانه در منظومه هدف‌ها و اقدام‌های خود قرار دهد تا به این واسطه از یک سو وظیفه قانون اساسی قوه قضاییه بعد اجرایی و عملیاتی پیدا کند و از سوی دیگر، در سیاهه پاسخ‌های عدالت کیفری به رفتارهای مجرمانه، ضمانت اجراهای اصلاحی نیز گنجانده شوند. به این ترتیب، دستگاه قضایی در مرحله اجرای کیفر زندان که از مهم‌ترین پاسخ‌های سیاست جنایی به شمار می‌رود باید از اقدام‌ها و سازوکارهای بالینی استفاده نماید. جداسازی زندانیان از جمله این سازوکارهاست که قوه قضاییه در راستای انجام تکلیف قانون اساسی خود که همانا اصلاح و تهذیب بزهکاران است، به آن توجه کرده است. بنابراین، بازپذیری اجتماعی هم به موجب بند ۵ اصل مزبور اعتبار یک اصل قانون اساسی برای قانون‌گذار و همچنین قوه قضاییه، تعیین و اساسی سازی شده. و از یک ارزش عادی به یک ارزش برین ارتقا یافته است؛ در نتیجه همه سیاست‌گذاری‌ها باید در راستای این رویکرد صورت پذیرد. بر این اساس، اساسی سازی اصلاح و تهذیب بزهکاران، اعتبار بنیادی یافته است و کارگزاران عدالت کیفری، باید در جهت فراهم ساختن کلیه امکانات و ابزارهای مورد نیاز برای به اجرا درآمدن آن گام بردارند. در پهنه سیاست جنایی ایران، این وظیفه و سازوکار آن‌چنان پراهمیت می‌باشد که در قسمت ۱ بند «ن» ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۰ هم به رسمیت شناخته شده است. مطابق این قسمت از بند مذکور، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مکلف شده برای ارتقای جنبه اصلاحی مجازات زندان و بهبود محیط زندان نسبت به طبقه‌بندی زندانیان و بازداشت‌شدگان بر اساس سابقه و نوع جرائم ارتكابی همت گمارد. پیداست که نویسندگان این قانون با پنداشت دقیق از بند ۵ اصل مذکور، جداسازی زندانیان را در شمار مصادیق و سازوکارهای تکلیف دستگاه قضایی در زمینه بازپروری بزهکاران گنجانده‌اند تا به این واسطه، ابعاد تکلیف این قوه در این خصوص به‌طور شفاف نمایان گردد. زیرا اساسی سازی این وظیفه، دارای این پیامد مهم است که همه سیاست‌ها باید در ادامه گفتمان قانون اساسی تدوین شود.

مطابق بند (پ) ماده ۱۱۳ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۶، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور را مکلف کرده است در راستای اجرای سیاست‌های کلی برنامه ششم، موضوع بهبود بخشیدن به وضعیت زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها، اقدامات لازم را جهت تسریع انتقال زندانیان مد نظر قرار داده و ضمن آگاهی دادن به مقامات قضائی در خصوص وضعیت آمار زندانیان و فضای آزاد زندان، ظرفیت پذیرش زندانیان را به‌صورت برخط و با رعایت جهات امنیتی در اختیار مقامات قضائی صلاحیت‌دار قرار دهد. قضات با لحاظ ظرفیت اعلام شده و تناسب قرار تأمین، از صدور قرارهای تأمین منتهی به بازداشت و یا احکام حبس جز در موارد ضروری به موجب قوانین مربوط خودداری و با رعایت قوانین مربوط از تأسیس‌های جدید کیفری مانند تعلیق تعقیب یا مجازات، تعویق صدور حکم، آزادی‌های مشروط و مجازات‌های جایگزین حبس استفاده خواهند نمود که دادرسی انتظامی قضات بر حسن اجرای این بند نظارت می‌کند. همچنین مطابق ماده ۱۱۶ قانون برنامه هفتم توسعه

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۲، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور را مکلف می‌کند با اخذ مجوز از وزارت امور اقتصادی و دارایی، پس از تعیین کاربری با رعایت ماده (۶) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مصوب ۱۳۹۴ و تفکیک اراضی با رعایت قانون از محل فروش تهاتر و یا معاوضه اراضی و اموال واقع در محدوده و حریم شهری نسبت به خریداری اراضی مورد نیاز تأمین تأسیسات زیربنایی احداث تکمیل تعمیر و تجهیز طرح‌ها و پروژه‌ها اقدام نماید. سازمان می‌تواند علاوه بر اختیارات قانونی موجود در زمینه برون‌سپاری و واگذاری مدیریت در زمینه‌های حرفه، آموزی اشتغال حین حبس و پس از آزادی، آموزش، سلامت و درمان طرح‌های حمایتی از خانواده‌های زندانیان و کمک به خودکفایی زندان‌ها و همچنین ایجاد درآمدهای پایدار و خودگردانی مجموعه‌های تحت، مدیریت، در چهارچوب موارد زیر و شرایط مندرج در این قانون نسبت به جلب و توسعه مشارکت و سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی اعم از نهادهای عمومی و اشخاص حقیقی و حقوقی در بخش‌های خرید خدمات بهره‌برداری و یا توسعه زیرساخت‌های لازم اقدام نماید. تمام دستگاه‌های اجرایی این قانون و تمام اشخاص حقیقی و حقوقی مجازند علاوه بر انعقاد تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهایی که مستقیم با سازمان منعقد می‌نمایند در سایر امور اجرایی پیمانکاری و خدماتی با طرف‌های قرارداد خود توافق نمایند نسبت به تأمین تمام و یا بخشی از نیروی انسانی خود را جهت کمک به اشتغال زندانیان حین حبس و پس از آزادی و کمک به باز اجتماعی نمودن زندانیان و در عین حال صرفه‌جویی در هزینه‌های تمام‌شده نیروی انسانی با اجرت متناسب و مطابق دیگر ضوابط سازمان به انجام رسانند. زندانیان و کارآموزان شاغل در کارگاه‌ها و مراکز اشتغال حقیقی و حقوقی در طول دوران محکومیت از شمول قانون کار و قانون تأمین اجتماعی مستثنی بوده و صرفاً تابع ضوابط و مقررات آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور می‌باشند. طبقه‌بندی زندانیان از این فایده برخوردار است که بزه‌کاران یعنی آن گروه از شهروندان که مجرمیتشان به اثبات رسیده است، در کنار متهمان بازداشت شده که همواره احتمال رهایی آنان از عدالت کیفری وجود دارد قرار نگیرند. به هر روی، توجه نداشتن به جداسازی زندانیان از یکدیگر، اسباب انتقال تجارب مجرمانه و حتی یادگیری شگردهای ارتکاب بزهکاری را فراهم می‌آورد.

۳- چالش‌های قانونی تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان

علیرغم اینکه زندان محل اجرای مجازات می‌باشد، خود نیز نوعی از انواع مجازات است و هیچ چیز جز سلب آزادی نباید به زندانی تحمیل گردد و مواردی از قبیل تغذیه مناسب، بهداشت، ملاقات عمومی و خصوصی، ملاقات با وکیل و مرخصی بخشی از حقوق زندانی بوده نباید امتیاز و پاداش تلقی گردد. مطابق رویکرد آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در مواد ۱۹۴ و ۲۱۴ اعطای مرخصی و همه اقسام ملاقات به جز ملاقات عمومی، امتیاز و پاداش تلقی می‌گردد. در این رابطه رعایت و حقوق اولیه بزهکاران، با در نظر گرفتن هدف از حضور در زندان و ضرورت بازپروری زندانی، ضرورت دارد.

برخی مفاد آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور فاقد ضمانت اجرا می‌باشد. برای نمونه ذکر اینکه شکایت زندانیان باید بررسی و رسیدگی شود کفایت ننموده، لازم است در راستای رضایت زندانی و تضمین بهره‌مندی آنان از حقوق اولیه و تشویق به حضور در برنامه‌های اصلاحی و تحقق اهداف بازپروری، ضمانت اجرای مناسبی در رابطه با بررسی شکایات زندانیان و اجرای وظایف رئیس زندان پیش‌بینی گردد.

مستفاد از تنقیح مناط مفاد آیین دادرسی کیفری، تمام زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها باید زیر نظر سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی باشند. در همین راستا و به منظور تحقق وحدت متصدی برای بازداشت و زندان، مفاد ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به اصل وحدت متصدی برای بازداشت و زندان،

اشعار داشته، تأسیس، احداث و اداره مؤسسه‌های کیفری توسط مراجع قضایی، اجرایی و امنیتی را ممنوع تلقی نموده است؛ با این وجود مطابق تصریحات تبصره ۱ ماده مزبور، تأسیس و اداره بازداشتگاه‌های عمومی و نظامی مطابق مقررات این آیین‌نامه و بازداشتگاه‌های انتظامی و امنیتی مطابق با آیین‌نامه‌های اختصاصی بوده و تحت نظر گاه‌های ضابطان قضایی و بازداشتگاه‌های انضباطی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران از شمول مقررات آیین‌نامه مستثنی شده است. با در نظر گرفتن مستثنیات مزبور و عدم وجود آیین‌نامه خاص موضوع صدر تبصره اخیرالذکر و نیز عدم وجود مقررات خاص در رابطه با تحت نظر گاه‌های ضابطان قضایی، نقض غرض ضرورت وجود متولی خاص برای زندان و بازداشت می‌باشد که این موضوع امکان برخورد غیر استاندارد و سلیقه‌ای با بازداشت‌شدگان را تسهیل می‌نماید.

مفاد ماده ۳۱ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به ضرورت جدا بودن محکومان و متهمان و نگهداری متهم بازداشتی تا زمان صدور رأی دادگاه در بازداشتگاه عمومی مگر مطابق دستور مقام قضایی یا مصوبات کلی شورای مرکزی طبقه‌بندی تصریح دارد. در این رابطه، مشخص نیست این موضوع که باید در صلاحیت مقام قضایی باشد چطور در اختیار یک مرجع غیر قضایی قرار گرفته است. مصوبات کلی شورای مرکزی طبقه‌بندی نباید چنین مجوزی داشته باشد که متهم را از بازداشتگاه زیر نظر زندان به بازداشتگاه‌های امنیتی منتقل نماید؛ این موضوع از این جهت که مرجع غیرقضایی نباید محمل تشدید شرایط متهم گردد، مطابق اصول حقوقی در صلاحیت انحصاری مقام قضایی است. به علاوه که در صورت پذیرش امکان ایجاد صلاحیت برای شورای مرکزی طبقه‌بندی، ایجاد صلاحیت قضایی برای مرجع غیر قضایی از طریق آیین‌نامه ممکن نیست. در این رابطه همچنین، عدم پیش‌بینی سازوکار اعتراض زندانی به تصمیمات مرجع مزبور نیز محل ایراد است.

مطابق ماده ۱۰۸ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور هرگونه آزار و شکنجه روانی زندانی ممنوع است. با وجود اینکه این موضوع در قانون اساسی و قوانین عادی مطمح نظر قانون‌گذار بوده است، اما در صورت شکنجه زندانی، وجود ابهام در ضمانت اجرا و فرایند پیگیری محل ایراد است. همچنین ذکر موضوع حقوق و نحوه طبقه‌بندی زندانیان که مطمح نظر اسناد حقوق بشری بسیاری بوده و در اسلام نیز به کرات مورد تأکید مؤکد بوده است، در آیین‌نامه که یک متن فروتقینی بوده و ضمانت اجرای ضعیف‌تری از قانون دارد، محل ایراد می‌باشد.

محرومیت از ملاقات و مرخصی که از حقوق اولیه زندانی می‌باشد به موجب مطابق مفاد ذیل بند الف و ب ماده ۴۱ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و نیز عدم پیش‌بینی حق اعتراض برای زندانیانی که مطابق مفاد مزبور متخلف انضباطی بوده و به محرومیت از ملاقات و مرخصی محکوم می‌شوند، از این جهت که حتی در دادرسی در مرجع قضایی نیز اصل دومارحله‌ای بودن دادرسی مورد پذیرش است، محل ایراد بوده و با اهداف حقوق بشری و قواعد ماندلا مغایرت دارد.

با در نظر گرفتن اینکه در عصر حاضر مهارت‌هایی از قبیل شاهنامه‌خوانی و تعزیه‌خوانی (که شرکت در آن برای زندانی واجد امتیاز است) نمی‌تواند محمل کسب درآمد و تمشیت امور اقتصادی باشد، برخی مفاد آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به ویژه مفاد ذیل ماده ۱۹۴ فاقد جنبه کاربردی بوده، بیش‌تر جنبه زینتی داشته و بازآفرینی و مهارت‌افزایی خاصی برای اشتغال زندانی ایجاد نمی‌نماید.

همچنین شرکت در دوره‌های تربیت معلم موضوع بند ۳ ماده ۱۹۴ آیین‌نامه مذکور نیز به دلیل فقدان موافقت‌نامه خاص موضوع آن با آموزش و پرورش و عدم نیازسنجی و اعلام نیاز آموزش و پرورش به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، نیز برای زندانی جنبه کاربردی و مهارت‌افزایی جهت اشتغال و تأمین مالی ندارد.

پیش‌بینی وظایف عدیده‌ای علاوه بر وظایف موضوع قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور برای قاضی اجرای احکام از این جهت که به دلیل جمعیت کیفری زندان و مؤسسات وابسته و نیز تکثر پرونده‌های قضایی و سایر وظایف قاضی اجرای احکام، قابلیت اجرا ندارد، محل تأمل است. بهتر بود وظایف مزبور یا وظایفی که ذاتاً قضایی نیست به نماینده قاضی یا یک ناظر تحت نظر قاضی سپرده می‌شد.

عدم تناسب ساختار و امکانات فعلی زندان‌ها با استانداردهای جدید موضوع آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور پیرامون نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان و ذکر تکالیف خارج از توان نظام فعلی سازمان زندان‌ها نیز به دلیل ایجاد مسئولیت برای سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، محل ایراد است. ذکر عبارت اتاق تک نفره که در واقع همان سلول انفرادی یا سلول مجرد است از آن جهت که عبارات مزبور در نظام حقوقی جمهوری اسلامی تعریف نشده است محل ایراد می‌باشد؛ به عبارت دیگر در حالی که مقام قضایی به جهت فقد نص یا فقدان مجوز قانونی نمی‌تواند حکم به حبس مجرد نماید اما حالتی تحت عنوان حبس مجرد در عمل امکان تحقق دارد. این موضوع از این جهت اهمیت مضاعف می‌یابد که قبل از انقلاب حبس مجرد در قوانین جزایی تعریف شده بود اما قانون‌گذار در نظام حقوقی جمهوری اسلامی به اطلاع از وجود نهاد حبس مجرد، آگاهانه این مفهوم را از دستور کار خارج نموده و مسکوت نهاده است.

با این وجود حمایت‌های افتراقی از زندانی نظیر ایجاد شورای طبقه‌بندی یا تفکیک زندانیان حسب شرایط (به تأسی از هنجارهای غالب حقوق بشری در موضوع حقوق زندانیان) از نقاط قوت آیین‌نامه بوده است. تغییر رفتارهای زندانیان طی تحمل محکومیت، پویایی نیازها و خطرهای پیش‌بینی احتمال بروز اشتباهات در تصمیم‌گیری‌ها، یکی از اجزای ضروری بحث طبقه‌بندی است که بدون آن اهداف نهایی، دست‌یافتنی نخواهد بود. امکان بازطبقه‌بندی، می‌تواند زندانی را به سوی رفتارهای سازنده مجاب کند تا مقامات تصمیم‌گیرنده را به انتقال به زندان‌های با محدودیت کمتر متقاعد سازد. با توجه به این اندازه از اهمیت، غیرمنطقی است اگر قائل به عدم نیاز به پیش‌بینی مقررات خاص ناظر بر با طبقه‌بندی باشیم؛ چرا که در این صورت نه تنها فرایند تدریجی اصلاح بزهکار غیرممکن به نظر خواهد رسید، بلکه ممکن است با نتیجه معکوس افزایش خشونت و بدرفتاری‌های زندان‌های بی‌انگیزه مواجه شویم.

در این مرحله از تصمیم‌گیری، معیارهای اصلی، ارزیابی مسائلی همچون: مشارکت زندانی در برنامه‌های تہذیب و کسب نمره قابل قبول از آن‌ها، کاهش رفتارهای خشونت‌طلبانه و پرهیز از همکاری با باند‌های بزهکاری در زندان هستند که با تکیه بر آن‌ها سرنوشت زندانی تغییر می‌یابد. در این فرایند منظم، همه زندانیان بایستی مشمول ارزیابی مجدد برای تعیین سطح امنیتی زندان قرار گیرند، نه فقط کسانی که قواعد زندان را به درستی رعایت کرده و خواستار تغییر زندان خود هستند. در کشورهای اسکاندیناوی نیز اصولاً همه زندانیان به‌صورت دوره‌ای مشمول ارزیابی مجدد قرار می‌گیرند که این امکان انگیزه و مسئولیت‌پذیری کافی برای توسعه رفتارهای مثبت جهت انتقال به زندان‌های باز را ایجاد می‌کند. در ایران مسئله باز طبقه‌بندی، آن‌گونه که فهم شد، اجرا نمی‌شود و بنابراین صحبت از تعیین زمان دقیق انجام این فرایند و معیارهای آن امکان‌پذیر نیست. ولی تبصره ۳ ماده ۲۷ آیین‌نامه جدید و همچنین رویه‌های طبقه‌بندی نشان می‌دهد که مقامات عدالت کیفری از باز طبقه‌بندی به‌عنوان یکی از وسایل مهم مدیریت زندان استفاده می‌کنند؛ هرچند این تصمیمات مقامات عدالت کیفری، تحت قیدهای زمانی و رعایت معیارهای خاص قرار نگرفته است. به رغم این پذیرش عملی، فقدان شاخص‌های پیش‌گفته، آیین طبقه‌بندی مجدد زندانیان را دچار نوعی بی‌نظمی می‌کند که حتی ممکن است برخی تہذیب زندانیان را از فرصت اصلاح متناسب محروم کند. از سوی دیگر، این فرایند در مورد همه زندانیان صورت نمی‌گیرد و به جای آن، درخواست‌های زندانیان، ملاک اصلی برای انجام

باز طبقه‌بندی خواهد بود. امکان وجود تبعیض در میان زندانیان در چگونگی باز طبقه‌بندی، بدین معناست که نقش این فرایند در انجام وظیفه اصلاحی زندان از نظر مقامات ناچیز است.

۴- چالش‌های اجرایی و آسیب‌شناسی فرایند تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان

جداسازی زندانیان به عنوان یکی از مصادیق اصل فردی سازی کیفر در گستره سیاست جنایی از رهگذر آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور با چالش نبود فضای فیزیکی کافی برای اجرای مفاد آن در رابطه با نگهداری زندانیان مواجه است؛ به ویژه که تورم جمعیت کیفری سبب در اولویت قرار گرفتن دو معیار سن و جنسیت (فارغ از مقررات خاص موضوع آیین‌نامه مزبور در رابطه با تفکیک و طبقه‌بندی) برای جداسازی زندانیان است.

چالش دیگر فرا روی جداسازی زندانیان، کمبود منابع انسانی و مددکاران اجتماعی در قلمرو زندان به منظور تشکیل پرونده شخصیت برای هریک از زندانیان نسبت به وضعیت فردی و محیطی است. متعاقب کمبود مددکار اجتماعی، اطلاعات شخصیتی موضوع پرونده شخصیت که توسط مددکار تهیه می‌گردد به جهت عدم وجود فرصت برای ارزیابی ابعاد شخصیتی زندانی توسط مددکار، با واقعیات شخصیتی زندانی چندان منطبق نبوده و در نتیجه، جداسازی زندانیان با واقعیت‌ها فاصله داشته، هدف آیین‌نامه از جداسازی زندانیان حتی در فرض وجود فضای فیزیکی کافی، محقق نمی‌گردد.

همچنین کمبود فضای نگهداری در شکل‌گیری نظام شخصیتی افراد بسیار تأثیرگذار می‌باشند. در محیط و فضای نگهداری زندانیان است که افراد با هنجارهای اجتماعی و چگونگی احترام گذاشتن به عموم آشنا می‌شوند. همچنین، محیط در یک دسته‌بندی کلی، به سه نوع محیط اجتماعی، حقیقی و مجازی تقسیم می‌شوند که در این بین، محیط اجتماعی به لحاظ نزدیک بودن به دیگر افراد، نقش بسیاری در چگونگی شکل‌گیری شخصیت زندانیان را بر عهده دارد.

افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها، امکان اجرای صحیح تفکیک و جداسازی زندانیان را متعسر نموده و از طرفی نیز فرسودگی و قدمت برخی زندان‌ها امکان توسعه فضا به منظور افزایش سرانه نگهداری زندانیان را دشوار نموده و علیرغم اجرای راهکارهای موضوع کاهش جمعیت کیفری، ظرفیت زندان‌ها در حالت اضطرار قرار داشته و تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان نیز متعسر شده است.

نگهداری اتباع بیگانه، با امعان نظر به افغانستانی بودن اغلب زندانیان اتباع بیگانه و چالش‌های مذهبی و قومیتی، اختصاص یک اندرزگاه جهت نگهداری آن‌ها ممکن نبوده و تفکیک و طبقه‌بندی بر اساس نوع جرم در اندرزگاه‌های مختلف و با سایر زندانیان در اتاق‌های جداگانه را نتیجه می‌دهد.

علاوه بر این، استعمال و خرید و فروش مواد مخدر و استفاده از داروهای روان‌گردان و مواد مخدر در زندان انواع متفاوتی دارد و به روش‌های مختلف تهیه می‌گردند. همچنین با شایع شدن مصرف کراک و قرص اکستازی که نوعی داروی روان‌گردان است گاه این مواد جدید نیز به زندان وارد می‌شوند. با این حال گزارش‌ها نشان می‌دهد که احتمال وارد کردن مواد به زندان در ایران نیز وجود دارد که به دلیل نبود فضای فیزیکی کافی جهت جداسازی معتادان و کمبود امکانات، زمینه‌های لازم برای اصلاح و تهذیب آنان وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

طبقه‌بندی بزه‌کاران یکی از مهم‌ترین سازوکارها جهت حداکثر رساندن ابعاد بازپرورانه زندان است که با تأمین آن، مدیریت زندان‌ها کارآمدتر خواهد شد؛ میزان خشونت کاهش می‌یابد و این امنیت بهبود یافته، کاهش هزینه‌های

اجرایی را نیز به‌دنبال دارد. در واقع، هرچقدر بزه‌کاران شیوه اجرای مجازات زندان را عادلانه‌تر ببینند، کمتر احتمال دارد که قواعد آن را نقض کنند. بازپروری بزه‌کاران یکی از هدف‌های بنیادین سامانه عدالت کیفری ایران است. توجه به این آماج در سطح مقررات بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نشان از اهمیت ویژه آن در فضای سیاست جنایی ایران دارد. در همین راستا، شماری از مقررات به شکل‌های مختلف در صدد عملیاتی کردن این هدف مهم عدالت کیفری برآمده‌اند. در این میان مقررات ناظر بر کیفر حبس، تحقق هدف بازپرورانه عدالت کیفری را به‌صورت منسجم مورد توجه قرار داده‌اند. آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۴۰۰ به‌عنوان اصلی‌ترین نماد سیاست جنایی ایران در این زمینه همواره بر اصلاح و تهذیب بزه‌کاران تأکید ورزیده و در قالب برنامه‌های متعدد، چگونگی دسترسی به آن را تبیین کرده است. برای نمونه می‌توان به ماده ۳ این آیین‌نامه که هدف زندان را دوباره اجتماعی کردن زندانیان قرار داده و یا فصل چهارم مواد ۱۳۶ به بعد که به جزئیات برنامه‌های بازپرورانه زندان اختصاص یافته است اشاره کرد. بدیهی است که از مهم‌ترین پایه‌های بازپروری بزه‌کاران، فردی سازی پاسخ‌های عدالت کیفری در مرحله اجرای مجازات است. چه اینکه در این مرحله هم باید با توجه به ویژگی‌های بزه‌کاران نسبت به تحمیل کیفر بر این دسته گام برداشت. جداسازی زندانیان نیز یکی از مصادیق اول فردی سازی پاسخ‌ها است که در مرحله اجرا مورد توجه قرار می‌گیرد. بر اساس این سازوکار، کیفر زندان باید با توجه به ویژگی‌ها و در واقع حالت خطرناک هر یک از بزه‌کاران جنبه اجرایی پیدا کند تفکیک زندانیان بر پایه حالت مخاطره‌آمیز به تدابیر و برنامه‌های زندان بعد واقع‌گرایانه می‌بخشد و در این چارچوب می‌توان این مجازات را در زمینه دسترسی به هدف اساسی‌اش که همانا بازپروری بزه‌کاران است، اثربخش‌تر مشاهده کرد. این سازوکار در گستره سیاست جنایی ایران و از رهگذر یک آیین‌نامه مستقل تحت عنوان آیین‌نامه نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان مصوب ۱۴۰۰ شناسایی شده است تا به این واسطه اسباب اجرای مناسب آموزه‌های جرم‌شناسی در بستر زندان فراهم شود. از این‌رو، به نظر می‌رسد که اجرای آیین‌نامه جداسازی زندانیان به‌عنوان یکی از مصادیق اصل فردی سازی کیفر در گستره سیاست جنایی از رهگذر آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور با چالش نبود فضای فیزیکی کافی برای اجرای مفاد آن در رابطه با نگهداری زندانیان، کمبود منابع انسانی و مددکاران اجتماعی در قلمرو زندان به منظور تشکیل پرونده شخصیت برای هریک از زندانیان نسبت به وضعیت فردی و محیطی مواجه است. بر پایه شواهد تعداد زندانیان بیش از ظرفیت زندان‌ها بوده و جمعیت کیفری سبب شده است تا جداسازی زندانیان عمده‌تاً بر اساس دو معیار سن و جنسیت صورت پذیرد. بدیهی است که سیاست‌گذاران جنایی ایران می‌توانند با اتخاذ راهبردی مناسب مثل پس‌روی کیفری و طبیعتاً به‌کارگیری روش‌های کیفرزدایی، قضازدایی و گاه جرم‌زدایی به شماری از جرم‌ها از رهگذر سازوکارهای غیر کیفری و یا غیر سالب آزادی پاسخ دهند. همین جهت‌گیری می‌تواند از تعداد جمعیت کیفری کم کرده و امکان جداسازی آن دسته از بزه‌کاران که باید در حبس بمانند را فراهم آورد. پیداست که در این زمینه آموزش قضات برای استفاده کمینه از مجازات زندان هم می‌تواند تا اندازه زیادی در کاهش جمعیت کیفری نقش آفرین باشد. علاوه بر این در گستره قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ روش‌های متعدد ارفاق آمیزی شناسایی شده‌اند که بهره‌جستن از آن‌ها می‌تواند به کاهش شمار زندانیان بیانجامد. در نهایت اینکه در میان شاخصه‌های حقوقی، اگرچه شماری از عناوین مجرمانه از مجرای ماده ۷ به‌عنوان معیار جداسازی زندانیان مورد توجه قرار گرفته‌اند، ولی بعضی از رفتارهای مجرمانه در فرآیند معیارگذاری شناسایی نشده‌اند. بنابراین سرمایه‌گذاری در رابطه با طبقه‌بندی زندان می‌تواند ما را اثربخشی مجازات‌ها و بازپروری زندانیان امیدوار سازد و فراهم ساختن زمینه‌های اجرای آیین‌نامه طبقه‌بندی تفکیک و زندانیان می‌تواند تا اندازه زیادی در اثربخش‌تر کردن کارکرد بازپرورانه مجازات حبس (که هنوز در پهنه سیاست جنایی ایران اصلی‌ترین ضمانت اجرای کیفری است) اثرگذار باشد.

پیشنهادهای

- ۱- کیفر زندان باید با توجه به ویژگی‌ها و در واقع حالت خطرناک هر یک از بزه‌کاران جنبه اجرایی پیدا کند.
- ۲- تفکیک زندانی بر پایه حالت مخاطره‌آمیز، از زندانیان دیگری که به علت سوابق کیفری یا سوء رفتار خود احتمال دارد تأثیر بد برجای بگذارند.
- ۳- تفکیک زندانیان به گروه‌های متفاوت به منظور تسهیل رفتار با آنان با توجه به بازپروری اجتماعی زندانیان.
- ۴- بهره‌برداری تا حد امکان از زندان‌های جداگانه، برای برخورد با گروه‌های متفاوت زندانیان با توجه به ویژگی‌های بزه‌کاران نسبت به تحمیل کیفر.
- ۵- فردی سازی پاسخ‌های عدالت کیفری در مرحله اجرای مجازات
- ۶- طبقه‌بندی زندانیان باید در زندان‌هایی با بخش‌های جداگانه، با توجه به جنسیت، سن، سابقه جنایی، دلیل قانونی برای بازداشت و ضرورت‌های رفتار با آنان نگهداری شوند. بنابراین،
- الف) زندانیان محاکمه نشده باید جدا از زندانیان محکوم شده نگهداری شوند.
- ب) اشخاصی که به علت بدهکاری مالی زندانی شده‌اند و سایر زندانیان مدنی باید جدا از اشخاصی نگهداری شوند که به دلیل جرم جنایی زندانی شده‌اند.
- پ) زندانیان جوان باید جدا از بزرگسال نگهداری شوند.

منابع

- آیین‌نامه نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان مصوب ۱۴۰۰/۲/۲۸، ماده ۹، ۱، ۱۸، ۳۷.
- بولک، برنار. (۱۳۸۵). کیفرشناسی (ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ پنجم). انتشارات مجد.
- توحید، فرزانه. (۱۳۹۹). مطالعه جرم‌شناختی بزهکاری زندانیان، مطالعه موردی زندانیان تبریز از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.
- داورنیا، رحیم. (۱۳۸۵). مسئولیت مدنی قاضی در حقوق ایتالیا، فرانسه، ایالات متحده آمریکا و ایران. دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، ۷۴، ۱۳۵-۱۴۸.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸.
- قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲.
- قانون برنامه توسعه پنجم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۰/۱۰/۱۵، ماده ۲۱۱.
- قانون برنامه توسعه ششم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۶/۰۱/۱۶، ماده ۱۱۳.
- قانون برنامه توسعه هفتم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۲/۰۳/۸، ماده ۱۱۶.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۳). پیشگیری عادلانه از جرم در علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری (چاپ اول). انتشارات سمت.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۲). درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری: فرصت‌ها و چالش‌ها، بایسته‌های نظام پژوهش در نظام عدالت کیفری. نشر میزان.
- نیازپور، امیرحسین. (۱۳۹۳). اساسی سازی حقوق پیشگیری از جرم در ایران. مجله پژوهش حقوق کیفری، ۲(۶)، ۱۴۷.
- Austin, J., & Hardyman, P. L. (2004). *Objective prison classification: A guide for correctional agencies*. US Department of Justice, National Institute of Corrections.
- Bryans, S., & Atabay, T. (2016). *Handbook on the management of high-risk prisoners*. New York: UNODC.
- Kratcoski, P. C. (2024). The Functions of Classification and Assessment Models in Correctional Treatment. In *Correctional Counseling and Treatment* (pp. 137-155). Cham: Springer Nature Switzerland.

- Narag, R. E., Galehan, J., & Jones, C. (2018). Challenges to inmate classification in a developing country setting: Implications for context-based inmate classification schemes. *International Journal of Comparative and Applied Criminal Justice*, 42(4), 341-358.
- Shermer, L. O. N., Bierie, D. M., & Stock, A. (2013). Endogeneity in prison risk classification. *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 57(10), 1248-1274.
- Tahamont, S. (2013). Essays on the effects of correctional policies on prison Misconduct [Doctoral dissertation]. UC Berkeley.

